

کلیات

برای به وجود آمدن شاخه‌ای از دانش لازم است زمینه آن فراهم شود. بستر و زمینه دانش مفردات، قرآن کریم است. تأثیر بی‌نظیر و شگرف قرآن بر زبان عربی انکارناپذیر است و این کتاب آسمانی پیوسته سرچشمه فیاض لغت‌شناسان بوده و خواهد بود؛ از این رو آنان به ضبط مفردات آن همت گماشتند و اسرار آن را به شرح و تفسیر نشستند؛ چه ناحیه لغوی قرآن نخستین چیزی است که طالب علوم قرآن در پی آن می‌رود و به همین سبب ملاحظه می‌کنیم که دانشمندان علوم دینی و حقیقت‌جویان در این خصوص دوش به دوش لغت‌نویسان حرکت می‌کنند و این همگامی بدون تردید نتایج ثمربخشی را به همراه داشته است.

مفردات قرآن بسان ساختارهایش اساس و بنیان زبان عربی است. قرآن اعراب را براساس اسلوبهای گفتاری خودشان مورد خطاب قرار می‌دهد. صحابه پیامبر (ص) بیش از دیگران به معانی قرآن و مفردات آن راه می‌یافتند و چنانچه با اشکالی مواجه می‌شدند به پیامبر (ص) مراجعه می‌کردند و حضرت مشکلاتشان را پاسخ می‌گفت. بیشترین پرسش صحابه درباره واژه‌هایی بود که در اصل وضع آنها تغییراتی به وجود آمده و در قرآن معانی تازه‌ای یافته بودند و اعراب با آنها آشنا نبودند، مانند واژه‌های قرآن، ایمان، کفر، صلوات و زکات.

پس از فتوحات اسلامی و گرویدن دیگر ممالک به اسلام تداخل زبانی

به وجود آمد؛ در نتیجه زبانی متولد شد که نه عربی خالص بود و نه عجمی^۱ خالص و بدین سان پریشانی و اضطراب در ستون لغت راه یافت و قوم عرب برای فهم معنای کلام خدا نیاز پیدا کرد الفاظ قرآن کریم را استفسار کند و به دنبال آن معانی‌ای باشد که پیشینیان براساس سلیقه می‌فهمیدند. زمانی که این نیاز احساس شد دانشمندان به تدوین در زمینه لغت قرآن روی آوردند و بر آثار خود نامهای مختلف نهادند.

بررسی لغوی و اصطلاحی غریب

در لغت *عَرَبَ فُلَانٌ يَغْرُبُ غَرْبًا أَيْ تَنَحَّى* (دور شد، کناره گرفت) و *الغربة و العربة*: النوى و البعد و الغريب الغامض من الكلام (سخن پیچیده و مبهم، غیر قابل فهم).^۲ در اصطلاح غریب قرآن دانشی است ویژه تفسیر و توضیح واژه‌های پیچیده قرآن به وسیله شعر و کلام عرب.^۳ ابوحیان اندلسی می‌گوید: لغات قرآن بر دو قسم است: قسم اول لغاتی هستند که اعراب و تازه‌عربان معانی آنها را می‌فهمند (عام)، مانند السماء، الارض، فوق و تحت و نوع دوم کلماتی هستند که تنها صاحبان فضل و آگاه به زبان عربی معنای آنها را می‌دانند (خاص) و این نوع دوم است که دانشمندان بدان پرداختند و در زمینه آن واژه‌نامه تألیف کردند و غریب قرآن نامیدند.^۴ زجاجی (د ۳۷۷ ق) در توضیح غریب لغوی می‌گوید: غریب آن است که در زبان بسیار کم شنیده می‌شود و بر زبان عامه مردم جاری نیست و تنها خواص آن را به کار می‌برند. وی از سوی دیگر خاطر نشان می‌سازد اعراب در فهم زبان یکسان نیستند بلکه در این زمینه برخی بر برخی دیگر برتری دارند.^۵ ابن‌هائم (د ۸۱۵ ق)

۱. غیر عربی

۲. خلیل بن احمد، العین؛ أزهري، التهذيب (ریشه غرب).

۳. مرعشلی، مقدمه بر العملة فی...، ۱۴؛ سیروان، مقدمه‌ای بر المعجم الجامع...، ۱۰.

۴. تحفة الأریب، ۴۰؛ نیز ر.ک.: ابن‌اثیر، النهاية، ۴/۱.

۵. الايضاح فی علل النحو، ۹۲.

می‌گوید: در برابر غریب مشهور قرار دارد و هر دو اموری نسبی هستند. چه بسا واژه‌ای نزد یک شخص غریب باشد و نزد دیگری مشهور و بالعکس.^۱ در خور ذکر است که معنای لغوی غریب گسترده‌تر از معنای اصطلاحی آن است؛ زیرا معنای لغوی غریب شامل کلمات مهجور (در زمان استعمال)، نادر و نامأنوس (حوشی و وحشی)^۲ نیز هست که مخل فصاحت است؛ حال آنکه قرآن معیار و میزان فصاحت به‌شمار می‌رود. بنابراین براساس آنچه گفته شد می‌توان گفت غریب بر دو نوع است: ۱) غریب بلاغی که با فصاحت منافات دارد و قرآن پیراسته از آن است. ۲) غریب تفسیری یعنی آن دسته از واژه‌ها که به تفسیر و تبیین معنایی نیازمند است.

اهمیت شناخت دانش مفردات

شناخت دانش غریب القرآن از زوایای مختلف اهمیت دارد که عبارت‌اند از:

۱. جنبش لغت‌نامه‌نویسی قرآنی، که اندکی پس از نیمه اول قرن اول هجری آغاز شد، نخستین حرکت علمی مسلمانان به‌شمار می‌رود و در زمره اولین موضوعاتی بود که دانشمندان در عصر تدوین بدان توجه کردند و در آن زمینه به تألیف پرداختند.^۳
۲. تألیف در زمینه غریب القرآن نخستین گام در تفسیر قرآن کریم بود و در میان دیگر جوانب، جنبه لغوی تفسیر را شامل می‌شد.
۳. دانش غریب القرآن برای قاریان بسیار اهمیت داشت، زیرا آشنایی با لغات قرآن مقدمه آشنایی با علم قرائت به‌شمار می‌رفت و برای قاری قرآن کلمات دشوار و مبهم را توضیح می‌داد و بدین‌سان فهم آیات را میسر می‌ساخت. قرطبی می‌گوید: «و من کماله أن يعرف الاعراب و الغریب فذلک مما یسهل علیه معرفة ما یقرأ و

۱. التبیان فی تفسیر غریب القرآن، ۱۱-۱۲.

۲. ابن‌رشیق در العمدة می‌گوید: الوحشی من الکلام ما نفع عن السمع (۲/۲۶۵)؛ نیز ر.ک.: سیوطی، المزهر، ۱/۲۳۳؛ بنبکر، دائرة المعارف اسلام مدخل «GHARIB».

۳. نصار، المعجم العربی نشأته و تطوره، ۱/۴۸؛ آل یاسین، الدراسات اللغویة ...، ۱۴۶.

یزیل عنه الشک فيما يتلو»^۱.

۴. این دانش برای فقیهان نیز ضرورت داشت؛ چه به واسطه آن می توانستند به معانی استوارتری از آیات دست یابند و احکام فقهی را شفاف تر استنباط کنند. راغب اصفهانی می نویسد: «أول ما يحتاج أن يشتغل به من علوم القرآن العلوم اللفظية. و من العلوم اللفظية تحقيق الألفاظ المفردة فتحصيل معانی مفردات ألفاظ القرآن فی كونه من أوائل المعاون لمن يريد أن يدرك معانيه كتحصیل اللب في كونه من أول المعاون في بناء ما يريد أن يبينه و ليس ذلك نافعاً في علم القرآن فقط بل هو نافع في كل علم من علوم الشرع، فالفاظ القرآن هي لب كلام العرب و زبدته و واسطته و كرائمه و عليها اعتماد الفقهاء و الحكماء في أحكامهم و حكمهم و إليها مفرع حذاق الشعراء و البلغاء في نظمهم و نثرهم و ما عداها و عدا الألفاظ المتفرعات عنها و المشتقات منها هو بالإضافة إليها كالقشور و النوى بالإضافة إلى أطيب الثمرة و كالحنطة و التبن بالإضافة إلى لبوب الحنطة»^۲.

۵. با شناخت مفردات قرآن با واژه های فصیح ترین کلام عرب آشنا می شویم.

۶. از طریق این دانش به تحول معنایی واژه ها و مدلولهای جدید آنها در قرآن

پی می بریم.

زرکشی در اهمیت دانش مفردات می گوید: «ان الكاشف عن معانی القرآن يحتاج إلى معرفة علم اللغة: اسماً و فعلاً و حرفاً؛ فالحروف لقلتها تكلم النحاة على معانيها و أما الاسماء و الافعال فيؤخذ ذلك من كتب اللغة»^۳. سیوطی نیز شناخت مفردات قرآن را برای مفسر ضروری می داند و آن را از شرایط مفسر برمی شمرد.^۴

۱. الجامع لأحكام القرآن، ۲۱/۱.

۲. المفردات، ۳.

۳. البرهان، ۲۹۱/۱.

۴. الاتقان، ۵/۲ و ۱۹۸/۴.